

مبانی فقہی روابط بین الملل

تألیف

دکتر سید محمود علوی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۵

سرشناسه : علوی ، محمود
 عنوان و پدیدآور : مبانی فقهی روابط بین الملل / تألیف محمود علوی .
 مشخصات نشر : تهران : امیرکبیر ، ۱۳۸۵ .
 مشخصات ظاهری : ۲۳۴ ص .
 شابک : 8 - 1058 - 00 - 964
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه : ص . ۲۲ - ۲۳۴ ، همچنین به صورت زیر نویس .
 موضوع : اسلام و روابط بین المللی .
 موضوع : علوم سیاسی (فقه) .
 موضوع : اسلام و سیاست .
 رده بندی کنگره : ۲ م ۷۷۶ ع / ۲۳۱ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۴۸۳۲
 شماره کتابخانه ملی : ۵۰۸۶ - ۸۵ م



مبانی فقهی روابط بین الملل
 تألیف : دکتر سید محمود علوی
 چاپ اول : ۱۳۸۵
 چاپ و صحافی : چاپخانه سپهر ، تهران
 شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه
 حق چاپ محفوظ است .

شابک : ۸ - ۱۰۵۸ - ۰۰ - ۹۶۴ ISBN 964 - 00 - 1058 - 8

مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران ، میدان استقلال
 WWW.AMIR-KABIR.COM

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	پیشگفتار
۱۵	کاربردی بودن موضوع
۱۶	پاسخ به یک پرسش
۱۷	گذرگونه‌ای بر مطالب
۲۱	بخش اول: کلیات مبانی فقهی در روابط بین‌الملل
۲۳	فصل اول: دیدگاه‌ها در روابط بین‌الملل
۲۳	انسان و روابط اجتماعی
۲۴	اسلام سازنده‌ترین مکتب
۲۴	روابط بین‌الملل، حقوق و سیاست خارجی
۲۶	نظام و مکتب‌های روابط بین‌الملل
۲۹	فصل دوم: مروری بر مسئله روابط بین‌الملل در قرآن
۲۹	روابط با کشورهای اسلامی
۳۰	روابط با کشورهای غیراسلامی
۳۳	رابطه صلح‌آمیز با کفار
۳۴	تقدم رابطه با مسلمانان
۳۵	رابطه با اهل کتاب

مذاکره انتقادی	۳۸
خطر تهاجم فرهنگی	۳۸
نفی ولایت اهل کتاب	۳۹
رابطه بر محور مشترکات فرهنگی	۴۱
رابطه، نه سلطه	۴۱
روابط حرجی	۴۱
جمع بندی آیات	۴۲
فصل سوم: جایگاه قرارداد در روابط بین الملل از دیدگاه اسلام	۴۵
اسلام و قراردادها	۴۶
اسلام و گستره التزام به قراردادها	۴۶
پیمان نقض شده	۴۸
یک مقایسه	۴۹
منطق و ملاک دو رفتار	۴۹
بخش دوم: قاعده لزوم و نقش آن در روابط بین الملل	۵۱
فصل اول: مفاد قاعده لزوم	۵۳
گستره قاعده	۵۸
عقد عهدی و اذنی	۶۳
فصل دوم: دلایل قاعده	۶۵
اول - عرف بین الملل	۶۵
دوم - نصوص قرآنی	۶۹
الف - آیه أَوْفُوا بِالْعُقُودِ	۶۹
آیه و عموم افرادی	۷۰
آیه و عموم زمانی	۷۰
عقد و عهد در لغت	۷۰
مفسران و عقد و عهد	۷۱
امام خمینی و واژه شناسی عقد و عهد	۷۳
وفای به عقد	۷۴
دلالت آیه بر قاعده اصالة اللزوم در بیان فقها	۷۵

۷۶	طرح چند اشکال
۸۰	پایان بخش سخن در آیه وفا
۸۱	ب - آیه لا تأکلوا أموالکم بئسکم بالتأطیل
۸۱	واژه شناسی
۸۲	نگرش مفسران
۸۴	در نگاه فقه و فقیهان
۸۸	اشکال اول
۸۸	پاسخ
۸۹	اشکال دوم
۹۰	پاسخ
۹۱	سوم - نصوص روایی
۹۱	الف - موثقه سماعه
۹۱	۱ - نقل حدیث
۹۴	۲ - بررسی سند و رجال حدیث
۹۹	۳ - مفاد حدیث
۹۹	طرح یک شبهه و پاسخ آن
۱۰۰	شبهه دیگر
۱۰۱	ب - حدیث «المؤمنون عند شروطهم»
۱۰۱	۱ - متن حدیث در مجامع روایی
۱۰۴	۲ - بررسی سند و رجال حدیث
۱۰۸	ارزیابی
۱۰۸	۳ - واژه شناسی مفردات حدیث
۱۰۸	واژه «شرط» و لغت شناسان
۱۰۸	شیخ انصاری و واژه «شرط»
۱۱۱	۴ - فقه الحدیث
۱۱۳	نظر برگزیده
۱۱۳	ج - حدیث «البیعان بالخیار...»
۱۱۴	۱ - متن حدیث در مجامع روایی

۱۱۵	۲- بررسی سند و راویان حدیث
۱۱۸	ارزیابی سند حدیث
۱۱۹	۳- دلالت حدیث «البیعان...»
۱۲۰	د- حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم»
۱۲۱	۴- دلالت حدیث تسلیط
۱۲۳	نتیجه گیری
۱۲۳	۵- اصول عملی - استصحاب
۱۲۶	۶- نگاهی به سیره پیامبر اسلام
۱۲۶	منشور مدینه
۱۳۱	عهد نامه پیامبر با مسیحیان نجران
۱۳۲	سخن آخر
۱۳۳	فصل سوم: کلیات - کاربرد قاعده لزوم در روابط بین الملل
۱۳۴	قسمت اول: معاهدات بین المللی
۱۳۴	تعریف
۱۳۵	انواع قراردادهای دولت ها
۱۳۵	نگرش اسلام به عهد و پیمان
۱۳۸	وفای به عهد در روایات
۱۴۲	اسلام و معاهدات بین المللی
۱۴۳	ملاک اعتبار قراردادهای بین المللی
۱۴۴	اسلام و مرجع تصویب معاهدات بین المللی
۱۴۶	مرجع تصویب معاهدات بین المللی در جمهوری اسلامی ایران
۱۴۷	روند تصویب معاهدات بین المللی در جمهوری اسلامی ایران
۱۴۹	مروری بر گونه های قراردادهای بین المللی
۱۴۹	قسمت دوم: انواع معاهدات بین الملل در اسلام
۱۴۹	یادآوری
۱۵۰	جغرافیای سیاسی جهان از دیدگاه اسلام
۱۵۱	۱- دارالحرب
۱۵۱	۲- دارالذمه

۱۵۲	۳- دارالعهد
۱۵۲	۴- دارالأمان
۱۵۲	۵- دارالهدنه
۱۵۲	۶- دارالحیاد (اعتزال)
۱۵۲	۷- دارالموادعه
۱۵۳	۸- دارالصلح
۱۵۳	۹- دارالهجره
۱۵۳	۱۰- دارالاستضعاف
۱۵۳	۱۱- دارالبغی
۱۵۳	۱۲- دارالرده
۱۵۴	۱- قرارداد استیمان
۱۵۸	۲- قرارداد آتش بس
۱۵۹	قرآن و عقد هدنه
۱۶۰	پیمان ترک مخاصمه در روایات
۱۶۱	۳- قرارداد ذمه
۱۶۲	قرارداد ذمه در قرآن و سنت
۱۶۵	بخش سوم: قاعده نفی سبیل در روابط بین الملل
۱۶۷	فصل اول: مفاد و دلایل قاعده
۱۶۷	مستندات قاعده
۱۶۸	۱- دلایل قرآنی
۱۶۸	بررسی واژگان آیه
۱۷۱	جمع بندی واژگان آیه
۱۷۱	دلالت آیه
۱۷۲	نقش قاعده
۱۷۳	۲- قاعده نفی سبیل از دیدگاه روایات
۱۷۳	نقل حدیث
۱۷۴	دلالت حدیث
۱۷۵	۳- دیدگاه فقها

۱۷۶	۴- مناسبت حکم و موضوع.....
۱۷۹	فصل دوم: مستثنیات قاعده نفی سبیل.....
۱۸۰	مفاد و مضمون قاعده «نفی سبیل».....
۱۸۰	پاره‌ای از مصداق‌های قاعده.....
۱۸۵	فصل سوم: کاربرد حکومتی قاعده.....
۱۸۶	قاعده نفی سبیل در دیدگاه امام خمینی.....
۱۸۸	نتیجه‌گیری.....
۱۸۹	فصل چهارم: جایگاه قاعده نفی سبیل در قانون اساسی.....
۱۹۰	زیربنای سیاست خارجی.....
۱۹۰	گذری بر دو نمونه عینی.....
۱۹۱	۱- واقعه رژی یا تحریم تنباکو.....
۱۹۲	۲- امام راحل و قانون کاپیتولاسیون.....
۱۹۷	بخش چهارم: قاعده نفی عسر و حرج و کاربرد آن در روابط بین‌الملل.....
۱۹۹	فصل اول: مفاد قاعده و ادله آن.....
۲۰۱	بررسی واژگان.....
۲۰۲	واژه‌شناسی عسر و حرج.....
۲۰۳	فصل دوم: جایگاه قاعده «نفی عسر و حرج».....
۲۰۵	فصل سوم: دلایل قاعده.....
۲۰۵	۱- قرآن و قاعده نفی «عسر و حرج».....
۲۱۲	۲- قاعده لاحرج در اخبار.....
۲۱۶	۳- قاعده «لا حرج» و «اجماع».....
۲۱۶	۴- قاعده «نفی حرج» و دلالت عقل.....
۲۱۷	حرج شخصی و نوعی.....
۲۱۸	پاسخ یک شبهه.....
۲۲۱	فصل چهارم: کاربرد قاعده لاحرج.....
۲۲۲	مواردی از تطبیق قاعده.....
۲۲۳	گستره حکومت قاعده «نفی حرج».....
۲۲۴	یادآوری.....

۲۲۴	 ضرورت احتیاط در تطبیق قاعده
۲۲۵	 نتیجه گیری
۲۲۹	 کتابنامه

www.ketab.ir

پیشگفتار

موضوع این اثر - چنان که از نامش پیداست - آن دسته از قواعد فقهی است که جنبه زیربنایی برای روابط بین‌الملل دارد و شکل و جهت و اهداف روابط خارجی حکومت اسلامی را ترسیم می‌کند و دولت اسلامی باید سیاست خارجی خود را بر مبنای آنها تنظیم کند.

چند قاعده فقهی که در این اثر، در خصوص روابط بین‌الملل، از آنها بحث شده قواعد تازه کشفی نیستند، بلکه همواره به شکل‌های گوناگون مورد بحث بوده‌اند، ولی در مقام تطبیق و تبیین کاربرد، تنها به حوزه مسائل فردی اکتفا شده است. نظری که این قواعد به امور عمومی امت اسلامی داشته و تأثیری که بر ترسیم خط مشی و سیاست دولت اسلامی دارند، کم و بیش نادیده گرفته شده است، در حالی که اغلب قواعد فقهی، ملاک‌های فراگیری هستند که هم احکام اشخاص را در مسائل مختلف مشخص می‌کنند، و هم تکلیف مسائل کلان جامعه اسلامی را روشن می‌نمایند.

آنچه می‌تواند علت اصلی جهت یافتن فقه شیعه به سوی تطبیق قواعد فراگیر مزبور، صرفاً بر احکام فردی ارزیابی گردد، این نکته است که فقه شیعه، کمتر در موقعیت حاکمیت و تبیین وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های حکومت‌ها قرار گرفته است، و اعلام نیازها اگر نه منحصرراً، لاقلاً غالباً از سوی افراد و اشخاص، به حوزه‌های علمیه و مراکز فقهی شیعه - آن هم در مسائل فردی و به صورت استفتاء - تقدیم شده و از سوی فقها به آنها پاسخ گفته شده است. از دیرباز ناکنون در تألیفات و آثار گرانبهای به جا مانده از فقهای بزرگوار، مجموعه‌هایی را ملاحظه می‌کنیم که در آنها استفتاهای انجام شده و پاسخ‌های آنها گردآوری و به کتابخانه عظیم فقهی شیعه تقدیم شده است.

مروری بر استفتاهای انجام شده، در عموم این رساله‌ها، ادعای ما را به اثبات می‌رساند. حتی در

دوران‌هایی که حکومت‌های شیعه از قبیل صفویه، زندیه و قاجاریه، در مسند حکومت بوده‌اند و حسب ظاهر علمای شیعه مورد احترام و تجلیل و اکرام بوده‌اند، نیز فقه شیعه چندان حالت حکومتی به خود نگرفته، و بیشتر آداب و رسوم مذهبی از قبیل عزاداری‌های محرم و صفر و امثال آنها مورد توجه بوده است، و نه تطبیق سیاست حکومت با مبانی فقهی شیعه.

گرچه گهگاه به موارد جست و گریخته‌ای بر می‌خوریم که حکومت‌ها از علمای اعلام، استمداد کرده‌اند و با آنکه وظیفه شرعی درباره موضوعی از موضوعات حکومتی، مورد استفتا قرار گرفته است. پیروزی انقلاب عظیم اسلامی، به رهبری امام راحل - رضوان الله تعالی علیه - منشأ دگرگونی شگرفی در بینش همگان به ابعاد شریعت مقدس اسلامی و توانمندی فقه و فقاہت گردید و در عمل ابعاد جهان شمول اسلام را مطرح ساخت و دست نیاز مجامع علمی، مراکز حکومتی و عوامل اجرایی را به سوی حوزه‌های فقه و فقاہت فرافراستاد. بدین‌سان بر همگان مبرهن شد که آیین مقدس اسلام، نظامی فراگیر است و به تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها نظر و به همه نیازهای دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی آنان توجه دارد.

از جمله محورها، محور سیاست خارجی در تنظیم روابط بین‌الملل حکومت اسلامی است. ضرورت دارد که در این عرصه، مباحث کارشناسانه فقه‌ارائه گردد، و این اثر تلاشی است در آغاز این راه، و بدیهی است که چون آغازگر این راه است با کاستی‌هایی همراه باشد ولی با بحث و کاوش‌ها و نقادی ارباب نظر، راه کمال را خواهد پیمود. اهمیت و ضرورت این بحث نیز روشن است، چرا که در دورانی زندگی می‌کنیم که ارتباطات، جهان را به صورت دهکده‌ای درآورده، و بسیاری از مرزها را از خاصیت و تأثیر انداخته و فاصله‌های جغرافیایی را کم‌رنگ ساخته و روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را به صورت یک واقعیت گزیرناپذیر برای ملت‌ها و کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران، در آورده است.

تنظیم روابط نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به گونه‌ای که «عزت» امت اسلامی تضمین و بر پایه «مصلحت» نظام پی‌ریزی شده باشد، اهمیت ویژه‌ای دارد. دست‌یابی به چنین اهدافی از رهگذر روابط خردگرایانه حاصل می‌شود که خود از «حکمت» نشئت می‌گیرد و به فهم و درایت و تیزهوشی و موقعیت‌شناسی کارگزاران سیاست خارجی متکی است، که می‌بایست از ویژگی‌هایی چون خردگرایی، هوشمندی، ژرفاندیشی و نکته‌سنجی برخوردار باشند.

این اثر، ترسیم مبانی فقهی روابط بین‌الملل در نظام اسلامی را برگزیده است، طوری که ضمن به

بحث گرفتن هریک از مسائل به نوبه خود، پاسخی از پرسش‌ها را نیز ارائه کند. به این امید که در جهت برداشتن گامی، هر چند کوچک، در این راستا توفیق یافته باشد.

همان‌گونه که اشاره کردیم، این موضوع با گستره آن، و بدین گونه که در این اثر آمده است، برای نخستین بار، مورد بررسی قرار گرفته است، و به نظر می‌رسد در حد خود جنبه ابتکاری دارد و از الگوی ساختاری خاصی تبعیت نکرده و شیوه عمومی آن مخصوص به خود است.

در جزئیات برخی از مباحث از تلاش محققان از جمله عرصه‌های مختلف علمی نهایت بهره‌وری به عمل آمده است و در واقع عرضه این کتاب را می‌توان گامی کوچک در جهت پر کردن یک خلأ به حساب آورد؛ و امید می‌رود راهی را برای کارهای کامل‌تر بگشاید.

از نکات بدیع این کتاب آن است که برای نخستین بار، قواعدی که در میدان فقه و فقهات، همواره در رابطه با تکالیف فردی و مسائل انفرادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته به سوی مسائل جمعی و شئون حکومتی جهت داده است، و با چشم‌انداز آنها مسائل کلان بررسی شده، و تنها به تأثیر آنها در حوزه تکالیف فردی بسنده نشده است.

کاربردی بودن موضوع

بی‌تردید موضوعات بسیاری برای طرح و بحث وجود دارد، و چه بسا موضوعاتی که گستره بیشتری دارد و کارهایی درباره آنها ارائه شده، و ارائه مطلب درباره آنها آسان‌تر است، لیک مهم این است که موضوعی برای بحث و پژوهش انتخاب شود تا پاسخی بر نیازهای روز حداقل یکی از دستگاه‌های اجرایی کشور، و در عالم خارج دارای کاربرد و تأثیر باشد.

ما -خواه ناخواه- با کشورهای دنیاروابطی داریم و اسلام نیز به عنوان دین جهانی، ما را به حضور در صحنه سیاست جهانی امر می‌کند، و انزواگرایی و رهبانیت را نه می‌پسندد و نه می‌پذیرد. بنابراین باید پویاترین و کارآمدترین روابط را با کشورهای مختلف دنیا برقرار سازیم، روابطی که اضافه بر حفظ حضورمان در صحنه سیاست جهانی، استقلال، عزت و منافع ملی را تضمین کند. چنین روابطی با چنان دستاوردهایی، جز بر پایه تعالیم انسان‌ساز اسلام، و ملاک‌ها و معیارهای عزت‌آفرین آن، میسر نخواهد شد که «وَلِلَّهِ الْغَنَةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۱؛ «عزت تنها و تنها از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است.» و حیات باکرامت و شایسته جامعه بشری، تنها از این رهگذر دست یافتنی است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

أَسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...^۱؛ «ای مؤمنان اجابت کنید خداوند و پیامبر را هنگامی که شما را دعوت می‌کنند به چیزی که موجب حیات شما می‌باشد».

لازمه تلاش موفق، برای تحقق چنین روابطی، آشنایی با ملاک‌ها و معیارها و آگاهی از اصولی است که آیین مقدس اسلام، جهت پی‌ریزی چنان روابطی ارائه می‌کند، و بدین لحاظ به بحث گرفتن آن اصول و روابط و شکوفا ساختن ابعاد کاربردی آنها، رسالتی است که بر دوش انسان‌های آشنا با مبانی فقهی سنگینی می‌کند.

نظر به اینکه ساختار روابط دولت اسلامی با دیگر کشورها، با وجهه و آبروی اسلام در جهان ارتباط می‌یابد و قضاوت دیگران را درباره اسلام شکل می‌دهد، کاربردی کردن زیربنای فکری اسلام، درباره سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد شد. با عنایت به آنچه گفته شد، ملاحظه می‌شود که موضوع کتاب، افزون بر کاربردی بودن حساسیت و اهمیت ویژه‌ای دارد و ضروری است با اهتمام هرچه بیشتر بدان توجه شود. امید است که این گام توان گشودن این راه را داشته باشد.

پاسخ به یک پرسش

با توجه به آنچه درج شد، می‌توان گفت در واقع این اثر، پاسخ به پرسشی است که در برابر اسلام مطرح و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پررنگ‌تر شده است، زیرا با استقرار حکومت جمهوری اسلامی در کشور ایران، رهبران انقلاب اسلامی، اسلام را قادر به تأسیس و اداره حکومت، اعلام کردند و از لوازم حکومت، روابط آن با دیگر دولت‌هاست. باین وصف، این سؤال مطرح است که: آیا اسلام نظام خاصی در زمینه روابط بین‌الملل دارد تا حکومت اسلامی بر مبنای آن، روابط خود را با دیگر دولت‌ها تنظیم کند؟

این کتاب، این نکته را به اثبات می‌رساند که اسلام به عنوان یک دین، دارای مکتب روابط بین‌الملل است؛ یعنی ملاک‌هایی را مطرح می‌کند که از ثبات برخوردارند، و زیربنای نظامهای دگرگون‌پذیر را تشکیل می‌دهند؛ همان‌گونه که مکتب اقتصادی دارد، و طراحی نظامها را در زمینه روابط بین‌الملل یا اقتصاد و... به عرف آنها یعنی کارشناسان وامی‌نهد، تا بر مبنای ملاک‌های اسلامی ذیربط، به ترسیم آنها بپردازند.

گذرگونه‌ای بر مطالب

در آغاز طی کوتاه سخنی مقدمه گونه، پس از اشاره به نقش روابط در زندگی انسان‌ها و تعریفی از روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، دیدگاه اسلام در این خصوص مطرح و سپس بر مرام‌های شناخته شده، در فضای سیاست خارجی، گذری صورت می‌گیرد.

در بخش بعدی مروری بر بستر قرآنی موضوع مورد بحث می‌شود، ولی از پردازش مطلب در سایه آیات مطرح شده، به طور تفصیلی اجتناب شد، تا مبادا کتاب از موضوع خود یعنی «مباحث فقهی روابط بین‌الملل» فاصله بگیرد و به بحث گسترده قرآنی، تبدیل شود؛ هر چند در جای خود بسی ارزشمند است. در این بخش تنها به توضیحی برداشت گونه اکتفا می‌شود و تلاش شده تصویری از نگرش کلام حق، به مسئله روابط مسلمانان با یکدیگر و دیگران ارائه شود تا بستر بحث را در محیط ذهن فراهم تر سازد. نگرش قرآن به عهد و پیمان، بحث بستر ساز دیگری است که از زاویه کلی نگرانه، بدان می‌پردازیم و اهتمام آیین مقدس اسلام به عهد و پیمان و تأکیدش بر وجوب وفای به آن، تصریح شده تا از این رهگذر، راه برای بحث درباره قاعده «اصالت لزوم در عقود» گشوده شود.

در بحث از این قاعده، ابتدا به جایگاه آن در روند فقه و فقهات و تمسک فقها به آن در موارد مختلف فقه، توجه می‌شود و نمونه‌هایی چند تتبع می‌گردد و سپس نگاهی به گستره قاعده مزبور افکنده خواهد شد.

در این راستا، در خصوص شمول گستره آن بر معاملات و قراردادهای ناگفته و نانوشته - که تنها از طریق داد و ستد صورت می‌پذیرد - تأملی به کار رفته و مستندات مربوط و آراء صاحب نظران، به ویژه امام راحل^{ره} تبیین شده، و در نهایت دیدگاه ایشان پذیرفته می‌شود و با این گزینش، گستره وسیع تری برای قاعده مورد بحث رقم خواهد خورد.

در مقام اثبات آن هم با گستره مورد نظر، به دلایل اثباتی قاعده، اعم از قرآن، روایات و استصحاب، و بالأخص بنای عقلا پرداخته می‌شود، که بر مبنای نگرش امام راحل^{ره} پذیرا ترین دلیل در این خصوص، بنای عقلا تشخیص داده شد و دلیل‌های دیگر، در مقام تأیید و امضای آن شناخته شدند.

در مقام استدلال به آیات، چه در این قاعده و چه در دیگر قواعد به مباحثی همچون واژه‌شناسی، آراء مفسران، کاربرد آن توسط فقیهان نامور، توجه می‌شود و در بحث روایات، ابتدا نحوه نقل یک حدیث در مجموعه‌های حدیثی شیعه و اهل سنت، و پس از آن ارزیابی سند حدیث و شناسایی راویان آن، و برآوردن میزان اعتبار حدیث، و سپس از طریق واژه‌شناسی مسیر فهم دلالت روایت و درک بهتر

محتوای آن، هموار خواهد شد و در پایان نیز برای ارائه چند مصداق نمونه‌هایی از پیمان‌های رسول خدا بیان شده است.

پس از بحث درباره این قاعده و اثبات اعتبار آن، بر نگاه اسلام به قراردادهای بین‌المللی، از این رهگذر، نظری افکنده می‌شود و سپس در یک بحث کلی ملاک اعتبار قراردادهای بین‌المللی در اسلام مطرح و مرجع تصویب و رسمیت معاهدات بین‌المللی از دیدگاه اسلام به صورت کلی تبیین خواهد شد، آن‌گاه سیر و روند و مرجع تصویب و نیز نحوه ابلاغ و مبادله آنها در جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر اصول قانون اساسی به بحث گرفته می‌شود. در بخش بعدی به ترسیم جغرافیای سیاسی جهان از دیدگاه اسلام پرداخته، و اهم معاهدات بین‌المللی در نگاه فقه، یعنی عقدهایی همچون، «عقد امان»، «عقد ذمه» و «عقد هدنه» مورد بحث قرار خواهند گرفت.

پس از به بار نشستن بحث درباره قاعده زیربنایی «اصالت لزوم در قراردادها و عقود» بحث درباره قاعده عزت آفرین «نفی سبیل» آغاز می‌شود، و با همان نهج و سیاق قاعده قبل، به وسیله آیات و روایات و دیگر دلایل از قبیل تسالم اصحاب و تناسب حکم و موضوع، در جهت اثبات اعتبار آن تلاش می‌شود. هم‌چنین گستره آن و نیز موارد تطبیق آن توسط فقها و در مورد کاربرد آن در فقه حکومتی و تأثیر و نقش آن در این میدان، مباحث لازم مطرح می‌شود.

سپس نمود آن در فتوای فقها به ویژه امام‌راحل و نیز نقش آن در شکل‌گیری اصول تضمین‌کننده استقلال کشور، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد، و مواردی از تطبیق آن در سده اخیر، ترسیم می‌شود.

در بخش بعدی قاعده نفی عسر و حرج با همان شیوه دو قاعده پیشین، مورد بحث و استدلال قرار گرفته، و نیز گستره آن و نقش و تأثیرش بر دلایل احکام اولیه به بحث گرفته می‌شود، و در نهایت به جمع‌بندی مباحث کتاب، و ارائه طرح کلی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در نظام اسلامی بر مبنای مباحث این اثر، پرداخته خواهد شد.

لازم می‌دانم به حکم «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از همه اساتید محترم و برادران ارجمندی که در تدوین، تنظیم، بازبینی، ویرایش و چاپ کتاب، این برادر ناچیز خود را مدیون الطاف خویش ساختند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. به ویژه از حجج الاسلام آقایان دکتر عابدی، دکتر مهدوی راد و معراجی که زحمات بس فراوانی را در مراحل مختلف بازنگری، تایپ و ویرایش اولیه کتاب متحمل شدند و نیز برادر ارجمندم جناب آقای نثاری مدیریت محترم مؤسسه انتشارات

امیرکبیر و همکاران سختکوش ایشان که مراحل پایانی و تایپ و ویرایش و چاپ را با همت خویش به انجام رساندند، از صمیم دل تشکر می‌کنم و توفیق همه را از خداوند منان مسئلت دارم.

امید که این گام آغازین، رهگشای گام‌هایی سنجیده و مباحث کاربردی و کارآمدتر گردد، انشاء الله.

سید محمود علوی

تهران - ۱۳۷۸